



خارجی، برخورد با هرگونه مفسده اخلاقی، توجه به دشمن اصلی ملت یعنی آمریکا و اسرائیل و بیدار بخشی به جامعه اسلامی اشاره کرد.

امام (ره) در بیانات خود در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ در جمع زیادی از مردم قم چنین بیان می‌دارند «... قلم در فشار است ... ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، ... عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند... ای سران اسلام به داد اسلام برسید. ای علمای نجف به داد اسلام برسید. ای علمای قم به داد اسلام برسید... تمام گرفتاری ما از این آمریکا است، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است، اسرائیل هم از آمریکا است ...»

ایشان در تلگرامی پس از سرکوبی فیضیه چنین می‌گویند:

«... من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مامورین شما حاضر کردم ولی برای قبول زورگوییها و خضوع در مقابل جباریهای شما حاضر نخواهم بود. من به خواست خدا احکام

این روزها مسایل زیادی در مورد جامعه مدنی، آزادی، روزنامه‌ها، مجلات و ... مطرح می‌گردد که بایستی در مورد آنها عمیقاً فکر کرد و برایشان پاسخی یافت، بررسی نظرات اندیشمندی چون امام خمینی (ره) که از سلاله پیشتازان قافله انسانیت برای عینیت بخشیدن به حیات معقول در سرزمین اسلامیمان است، می‌تواند راه‌گشای این معضلات باشد. مقاله حاضر تلاشی است - هرچند ناقص - برای یافتن پاسخ چند سوال از دیدگاه امام راحلمان.

امام خمینی (ره) همواره در سخنان خود بر اصولی تأکید می‌ورزیدند که به نظر می‌رسد باید در تمام ارکان کشور اجرا شوند. این چارچوب کلی، حد و حصری را مشخص می‌نماید که مطبوعات و روزنامه‌ها بایستی آن را رعایت کنند و تخطی از آن نوعی توطئه محسوب می‌گردد، از جمله این اصول می‌توان به رعایت موازین اسلام، مدنظر قرار دادن استقلال و عظمت ایران و شرافت ایرانیان، بیرون کشیدن جسم خسته جامعه از زیر یوغ فرمانروایان ستمکار داخلی و

خود را در هر موقع مناسبی بیان خواهم کرد و تا قلم در دست دارم کارهای مخالف مصالح مملکت را برملا می‌کنم. اکنون یک چشم مسلمانان بر دنیای خود و چشم دیگرشان بر دین خود گریان است و حکومت چند ماهه شما با جهش‌هایی که می‌کنید، اقتصاد، زراعت، صنعت، فرهنگ و دیانت مملکت را به خطر انداخته و مملکت از هر جهت در شرف سقوط است...».

و یا در کتاب کشف الاسرار که در سالهای قبل از انقلاب به چاپ رسید، چنین می‌نگارند (صفحه ۲۸۳):

«... یکی از چیزهایی که نیازمند به اصلاح است همین روزنامه‌ها و مجلات و هفتگی [نامه] هاست که امروز به این صورت اسف‌آور است و در حقیقت بعضی از آنها را باید کانون پخش فساد اخلاق و فحشا گفت...».

اکنون که چارچوب کلی تا حدی تبیین شد، این سوال پیش می‌آید که ارتباط بین مسئولان و روزنامه‌ها به عنوان نماینده مردم بایستی چگونه باشد؟ آیا مسئولان حق دارند بدون پشتیبانی مردم کاری انجام دهند؟ آیا گرایشهای مختلف جامعه می‌توانند به جای مردم تصمیم‌گیری نمایند و خود را برتر از آنها بدانند؟ آیا حذف مردم از صحنه‌های سیاسی عملی درست است؟ و... امام خمینی (ره) همواره تأکید داشتند که اگر قدرتی برای مسئولان فراهم شده به واسطه تلاش و سرمایه‌گذاری مردم در جامعه است. امام مشارکت اجتماعی مردم که عنصری سازنده از زندگی جامعه مدنی می‌باشد را امری جدی برای تداوم بخشیدن به اقتدار حکومت و حرکت رو به جلوی نظام اسلامی می‌دانند. یکی از نمونه‌های بارز چنین اعتقادی، برگزاری رفراندوم به فاصله کوتاهی پس از

انقلاب اسلامی در ایران می‌باشد که در آن به مشارکت جویی و مشارکت‌پذیری مردم بسیار اهمیت داده می‌شود. امام خمینی (ره) در یکی از سخنرانیهای خود می‌فرمایند:

«... دولت‌ها بدون پشتیبانی مردم نمی‌توانند کار انجام دهند و اگر دادند برای مردم نمی‌خواستند کار کنند...»

(صحیفه نور، جلد ۱۹، صفحه ۳۵)

و در جایی دیگر ذکر می‌کنند: «... همه مقامات جمهوری اسلامی مرهون ملت فداکار، خصوصاً قشر ضعیف و مظلوم هستند...»

(صحیفه نور، جلد ۱۹، صفحه ۲۲۲)

و یا بیان داشته‌اند: «... ما باید به فکر مردم باشیم و بر آنها سخت‌گیریم که از صحنه خارج شوند...»

(صحیفه نور، جلد ۱۹، صفحه ۵۱)

ایجاد ارتباط منطقی بین مسئولان و مردم به واقع آن چیزی است که امروزه از ضروریات تبیین جامعه مدنی محسوب می‌گردد و امام بارها این نوع ارتباط را گوشزد نموده‌اند و از دولت خواسته‌اند که ناظر بر اعمال و رفتار گروه‌های مختلف جامعه باشد تا احدی نتواند به جای مردم تصمیم‌گیری کند و حق آزادی آنان را سلب نماید: «... آزادی مردم نباید سلب شود، دولت باید نظارت کند...»

(صحیفه نور، جلد ۱۹، صفحه ۳۵)

تعداد در جامعه هنگامی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند آزادانه نظرات و عقاید خود را بیان دارند و از سوی دیگر نظارت دولتی را تا مرزبندی برای آزادی و نه تصمیم‌گیری به جای مردم می‌دانند. در ضمن این نکته بیانگر آن است که ایشان آزادی بی‌حد و مرز را مطلوب جامعه نمی‌دانند.

امام خمینی (ره) مشارکت جدی و مشارکت پذیری مردم را رمز موفقیت دولتمردان در حاکمیت جامعه اسلامی می‌دانند و با تاکید بر وجود اختلاف نظر و سلیقه در جامعه، آن را کمال اجتماع و عدم آن را نقص جامعه می‌دانند: «... سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد، اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد. اختلاف سلیقه، اختلاف رای، مباحثه و جار و جنجال، لکن نتیجه این نباشد که با هم دشمن شویم.»

(صحیفه نور، جلد ۲۰، صفحه ۲۱۲)

ایشان، تکثرگرایی و بهادادن به گروه‌های مختلف را یکی از ارکان نظام می‌دانند و رشد و پویایی جامعه را موهون این رقابتهای تفسیر می‌کنند اما تا جایی که اختلاف سلیقه‌ها باعث دشمنی گروه‌های مومن به انقلاب، تضعیف آنان و در نتیجه پیروزی دشمنان اصلی بر جامعه نگردد. مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان به بهانه تضعیف نظام، از هرگونه نقد و نقادی در جامعه جلوگیری کرد؟ امام (ره) همواره دارای روحیه نقادی و نقد پذیری بودند و همیشه داشتن این روحیه را تشویق و ترغیب می‌نمودند اما اجازه نمی‌دادند که انتقاد با انتقام، هتاک، تهمت، پرده‌داری و ریختن آبروی مسلمان یکسان گردد و اعتقاد داشتند که باید حرمت شخصیت افراد پاسداری شود.

«... مساله دیگر راجع به انتقاد که البته روزنامه‌ها باید مسایلی را که پیش می‌آید نقد کنند یک وقت انتقاد است، یعنی انتقاد و سالم است. این مفید است. یک وقت انتقام است نه انتقاد. این نباید باشد. این با موازین جور در

نمی‌آید. انسان چون با یکی خوب نیست در مطبوعات او را بگوید، کار درستی نیست اما اگر کسی خلاف کرده است باید او را نصیحت کرد. پرده‌داری نباشد ولی انتقاد خوب است...»

(صحیفه نور، جلد ۲۰، صفحه ۲۱۶)

در چنین شرایطی، اگر روزنامه‌ها و مطبوعات دست به توطئه علیه نظام زدند، چه باید کرد؟ آیا افراد مختلف و بی‌صلاحیت می‌توانند از قدرت خود استفاده نمایند و به بهانه مبارزه با توطئه به تخریب محل کار آن روزنامه یا مجله یا ضرب و شتم کارکنان آن بپردازند. امام خمینی (ره) که همواره مدافع قانون و قانون مدارای بوده‌اند در چنین مواردی نیز نگرش قانون مدارانه خود را نمایان می‌سازند و بیان می‌دارند که:

«... دادستان انقلاب موظف است مجلاتی که بر ضد مسیر ملت است و توطئه گر است تمام را توقیف کند و نویسندگان آنها را دعوت کند به دادگاه و محاکمه کند...»

(صحیفه نور، جلد ۸، صفحه ۲۵۲)

و به راستی که در چنین جامعه‌ای، حاکمیت قانون و اخلاق می‌تواند از جایگزین شدن خشونت به جای همدلی و گفت و گوی سازنده جلوگیری کند و در چارچوبهای قانونی و اخلاقی می‌توان به مسایلی چون رشد اجتماعی، ارتقای میزان مشارکت مردم و سازندگی کشور عزیزمان، ایران، پرداخت. در پایان با یاد این بزرگمرد تاریخ باید گفت که در دورانی به سوگ این بزرگوار می‌نشینیم که کاروان بیداری و هوشیاری ملتی که او همواره بزرگ می‌دانست، منزل به منزل راه پوی گام استوارش برای حیاتی معقول است. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

دکتر مجتبی سرکندی